فرنــوش ارسخانی|امیر -یکسی از بازیگران پر کار سال گذشته بود او عــلاوه بــر ســريال «آخريــن بــازى» که زمســتان ۱۹۳ز شــبکه پنــج ســيما پخش سه نمایش و سه فیلم بازی کرد، کــه «دریا، ماهــی و پرنــده» بــه کارگردانی مهـر داد غفــار زاده، «نهنگ عنبر» ســامان . مقدم، «ثیمرخها»ی ایرج کریمی و «سرقت مردان خاکسستری» آخرین اثر امیرشهاب رضویان، شاخص ترین شان بودند. رستمی اگرچه در عرصه طنز بازیگر شناخته شده ای است، اما اولین حضور او در بازیگری با بازی در سریالها و فیلمهای درام شکل گرف فیلمهایی که بـه خوبی نتوانســتند معرف مضور او در سینما و عرصه بازیگری باشند و در نهایت، حضورش در تلویزیون باعث شد كهمخاطبان بيشتر اور ابشناسند تاجايي كه خودش هم موفقیتاش را مدیون تلویزیون است. او که به تازگی نمایش «سیتم گرون هلم» را به پایان رسانده، هماکنون درحال بازی در سـریال «شـهرزاد» حسـن فتحی در گفتوگویسی کسه با امیر ح حضورش در عرصه بازیگری، کار آیی بازیهای کمدی در سينماو تلويزيون ايران و... صحبت كرديم.

شماقبل از سريال «شمس العماره»، در سه فیلمسینمایی حضور داشتید،اماهیچیک از آنها نتوانستند معرف حضور شما به عرصه بازیگری باشند. دلیل حضّور تان در چنین ري. ري. فيلمهايىچەبود؟

سازمان ملل میساخت که من بازیگر ثابت آن بودم. سازمان ملل میساخت که من بازیگر ثابت آن بودم. او بعد از این کار، یک مجموعه تلویزیونی ساخت که دوباره با هــم کار کردیم، ســریالی که فقط از شبکه جامجم یخش شد. « ئیس»، اولین تجربه فیلم می شناختم و با خاتواده اش دوستی دیرینه ای داشتم. اگرچه اکثر اقوام ما سینمایی بودند و من از ۱۵-۱۰ سُالگی سینمارامی شناختم،اماهیچ وقت دوست نداشتم بازیگر شوم. دغدغه اصلی من کار گردانی بود،نه یاز یگری.

ر مرتبی بردند بریمری بنابراین بازیگری مسیرانتخابی شمانبود! من با تأکید آقای کیمیایی وارداین حرفه شدم . بیشه می گفت تواول باید جلوی دوربین بروی ت دوربین. چون برای پشت دوربین رفتن همیشه وقت هست. با این که بازیگری را زودتر از کار گردانی شـروع کردم، اما نمی توان نہنے ہیں ون کنے پر ای ہمین تصمیم گرفتے مدتی کنار آقای کیمیایی حضور داشته باشهرو توانستمدر راهاندازی مدرسه سینمایی اش هم به او کمک کنم. جُدا از این که یکی- دو سال مدیریت آموزشگاه را هم به عهده گرفتم، اما در کنار آقای کیمیایی ر این به به در این بادگیری آموزههای کارگردانی و طورههای آن فراهم آورد. کارگردانی و طی کــردن دورههای آن فراهم آورد. بنابراین من هنوز هم به کارگردانی فکر می کنم و اردی طمئنم که یک روز فیلم خواهم ساخت. «فقط چشمهایت راببند» تنها فیلمی بود

که در آن بازی تان دیده شد؟

ر ای رای در «رئیس»،باعلیرضاامینی در فیلم فقط چشمهایت را ببند» کار کردم اگر چه این ب نیلم در جشــنواره ریو خیلی در خشــید، اما مثل نیلمهای دیگرم، در ســینمای ایران برایم شانس نیاورد. راستش بعداز این بدشانسیها، کم کم داشتم از سینما دلزده می شدم. به خاطر این که اولین کار جدی ام را با مسعود کیمیایی شروع ربین در به ها به خوارد مستوره عیسی سری کردم،اما در نهایت بخش زیادی از فیلم برای اکران عمومی، قیچی و سانسور شد. با علیرضا امینی کار کردم، جشــنوارههای خارجی از بازیام تقدیر کردند، اما در ایران، فیلم کاملا توقیف شد! «خاک آشنا» را بازی کردم، این فیلم هم در نهایت بعد از دو سال، با حذف سكانسهاي اصلي، نمايش داده شد. آن موقع تصمیم گرفتم همان بیزنس خودم راادامهٔ دهُم و برای مدتی از دنیای بازیگری فاصله

نصميم بودياقبل از آن؟ و د . . پیم موازی شــد با جشــنواره ریو که به

خاطر بازی در «فُقُط چشمهایت را بُبندٌ» از من دعوتُ کُرده بُودند. من به این جشــنواره نرفتم و به جُایم پُیمانُ قاســـمِخانی همراه علیُرضا اُمینیُ رفت.پیمان بعداز باز گشتش،فیلم من را به مهران مدیری نشان داد و از من خواست قرار بگذاریم و ِ جلسهاى بامهران مديرى ملاقاتى داشته باش أقاًىمديرى درباره پروژه تلويزيونياش–مردهزار چهره-صحبت کردواز من خواست تا در سریالش

موفقیت «مر دهزار چهره» و دیده ش نقش شكور در سريال «شمس العماره» باعث شد فعاليت در طنز را ادامه دهيديا خودتان نمایل داشتید که بیشتر در آن حضور داشته

از یک زمانی به بعداحساس کردم مخاطب عام، امیر حسین رســـتمی را در سریالهای طنز پذیرفته است.البته خودم هم آدم دمدمی هستم؛ گاهی اوقات فان هستم و برخی روزها عمگین!

گفتوگو با امیر حسین رستمی، بازیگر پرکار سال ۹۳ موفقيتمرامديون تلويزيونهستم در عرصه بازیگری طنز، برَند هستم

اما روحیه ام خیلی فان است و گاهی اوقات طنز " ی ــــم. اطرافیانم هم مُرا بــا این ویژگی ند. مثلا ســامان مقدم قطعا براساس روحیــهای که از من میشــناخت بــرای بازی در سریال «شمس العماره»انتخابم کرد-اول قرار بود با ســامان در «کافه ستاره» همکاری کنم اما چون . سفر بودم،نتوانستم سر پروژهاش حاضر شوم-انگار ســـامان کشــف کرده بود که من طنز بلد هستم. خودم هم وقتی کمدی بُــازی می کنم حالم بهتر است وبیشتر به من خوش می گذرد.

شـما که حضور جدی در طُنز نداشــتید، چطور میخواسـتید با اولیــن بازی تان این نفکررابه ذهن مخاطب انتقال دهید؟

چون همیشه کارهای کمدی دنیا را می دیدم و دنبال می کردم، تمام زیسر و بمهای طنز را می شناختم، من حضور جدی در کمدی نداشتم، امایکی از کسانی که توانست در این راه به من کمک کند، آقای کیمیایی بــود. او بر خلاف فیلمهایش، بەشدت طنازى دارد. حتى منتقدهاي هم که اورااز نزدیک می شناسند، به این ویژگی اش

د از بـــازی در یکـــی-سريال، از سينما فاصله گرفتيد و دُر تلویزیون ماندگار شــُدید ۔ نمادیگربرایتانمهمنبود؟ گار کــردن در تلویزیــون از ممان ابتدا برایم شــانس آورد. خیلی راحت خط قرمزهایش ا پذیرفتیم و رفتیم کارم را نجام دادم. بــرای همین خودم را بیشتر مدیون تلویزیون میدانم تاسینما بااین که بعداز

نشمس العماره»، اكثر كارهايي هاد شُد کمدی بُود، اما تلاش کردم تا کارهای شاخصی راانتخاب كنم. شمابه عنوان يك ر خبرنگار و کسی که در عرصه ســانه فعال هس . دانید،(شایدمخاطبعامنداند. کارهای طنز من در ذهنش باقی مانده و فکر می کندمن فقط طنز کار می کنم) من یکسال کمدی کار می کنم، یکسال درام. برای

اانتخاب کردم از طرف دیگر، خیلی خوشــحالم ره در طول مدت فعالیتم در تلویزیون توانستم با کار گردانانی کار کنم که همه آنهادر تلویزیون برند . د.مثلمهرانمدیری،ح ىوتمن،سامانمقدمو...

مونمی،ستهای مصدور... سریال «آخریت بازی»–که اخیـرا از تلویزیون پخش شـد- سـومین همکاری شما با حسین سهیلیزاده،بعداز «سِه، پنج، دو»و «دختــران حــوا»بود کــه در آن نقش منفی در سریال داشــتید. با توجه به این که تید با توجه به این که قبلاهم بازی در نقشهای منفی را تجربه کرده بودید، نگران کلیشه شدن در این نوع نقشهاازسوىمخاطبنبوديد؟

احساس می کنم وقتی بازیگر در قالب نقش منفی قرار می گیرد، قدرت مانور بیشتری پیدا می کند. بُون نقش مُثبت یک نقشُ خنثی است. ویژگی تاصی ندارد وبازیگر نمی تواند به آن رنگ بدهد. ولى در نقش منفى، بازيگر قدرت پيدامي كند تا با ربی در دست سعی باری بر سارت استفاده از رنگهای مختلف، ویژگیهای خاصی را به نقش اضافه کند. البتـه معتقدم وظیفه یک بازیگر این است که کاری که از او خواسته شده را رے ۔ ر ر وست سعور به بهترین نحو و تا جایسی که می تواند، انجام دهد رای من بازی درام و ملودرام به مراتب راحت تر از کار طنز است. چون کار طنز سختیهای خاص خودش را دارد. من هیچ اصراری ندارم که در عرصه ،راُم هم بازیگر شناخته شدهای باشم چون حیطه کاری من طنز است و در این عرصه برند هستم مهم ترين مسأله برايم أين است كه طنز من، مال

فوتبال قرار دارد.

بِرِنْدَ چُقَــُدر با مفهوم ســتاره در س . نفاوُت دار د؟

گاهــی اوقات یک ســتاره بــرای نشــان دادر ے رہے۔ ـیلهای خود به مخاطب میتواند ریسک کند،چون در هر قالبی قرار بگیرد،برای طُرفدار انش جذاب اُست اُما یک برند، به دلیل اعتباری که میان مردم دارد از چنین امکانی بهرهمند نیست. مثلا گر در تله فیلم بازی کند، مسلما اعتبارش را از

> فكسر مىكنسم هرك حــق دارد به هــر جايي که میخواهد سر بزند. من هم برای مدتی بازی در تله

خودم باشد و امضای خودم پای آن باشد. مخاطب وقتی بازی من را تماشا می کند، یاد بازیگر دیگری نیفتد، یاد خودم بیفتد. مثلا وقتی در «دودکش» بازی کردم، کار گردان و تهیه کننده سریال به من ، مرکز کرده ده که مامی خواهیم به وسیله و هومن برق نورد گفتند که مامی خواهیم به وسیله شمادو نفر ، بهترین سریال ماه رمضان از نظر مردم باشیم. من در ملودرام و درام دنبال امضانمی گردم، به خاطر این که آنقدر بازیگر در این عرصه داریم که اصلا اصراری ندارم در آن امضایی داشته باشم. نقط همین کُه نمره قُبولی بگیرم، برایم کافی است فکر می کنوردر سریال «آخرین بازی»هو توانستو ره قبولى بگيرم. أقاى سهيلى زاده فروردين سال ئذشته به من پیشنهاد بازی در این سریال را داد. وقتى فيلمنامه راخواندم متوجه شدم كهقرار است ریی کی در کری کاراکتر سیاوش رستمی از سریال «سه، پنج، دو» به «آخرین بازی» منتقل شود. شخصیتی که در ریال کلی تغییر پیدا کُرده و در پشت پرده

ینمای جهان کسی است که تضمین کننده فروش گیشه باشد. البته بازیگران استار و سوپر استار،الزاما بازیگرهای من با تأكيد آقاى كيميايي وارد حرفهبازیگریشدم.اوهمیشه خویی نیستند. شــما اگر به رایی دســـتمزد سوپراســـتارهای هالیوود نــگاه کنید، متوجه مى گفت تواول بايد جلوى دوربینبروی تاپشت دوربین. خواهید شــد که دســتمز د چونبرایپشتدوربینرفتن _ ىەوقتھس آنهًا بـه مراتب بیشـتر اُز استارهایشان اسـت. استار بازیگری رازود تر از کار گردانی . ر.. ری رور شروع کر دم،امانمی توانستم آن رااز ذهنم بیرون کنم. برای ء ی است که مثل رابرت نيرو، آل پاچينو بينظير و معروف باشد با این که آنها جزو بقایای مکاتب بازیگری ب تصمیم کی فتیمدتی کنار -آقایکیمیایی ُحضورداشته هستند، اما گاهــی اوقات اتفاق میافتد که یک ستاره باشمو توانستمدر راهاندازي سینماییاُشهمبهاو کمککنم ت کی ۔ جوان که خیلــی هم در حد دريافتمى كندو درنهايت به

. خاطر حمایت قشر نوجوان، آنها تضمین کننده فروش گیشیه می شُوندُ. اما معنا و مفهوم برند، با ســـتاره تفـــاوت دار دو عمر و دوام بیشتری هُم نسبت به اَن دارد ُمهرانُ مُدیریٌ، عطاران، محسـن تنابنده و هومــن برق نورد منرمنداني هستندكه همه أنهادر حوزه تخصصي شان،برندهستند.مابازیگرطُنازُ خُیلیداریم. شاید تعدادشـــان به ۱۰۰ نفر هم برسد، اما تعداد رندهایمان بیشتر از ۸ نفر نی^س سىدهم جزواين ٨ نفر باشم

> تعــداد تلــه فىلىھاىــى كەم بازی کردم، بیشـــتراز ۴ یا ۵عدد نیســتند واز ســال ۹۲ به بعد، اصلا بےک تلہ فیلم ہے یازی نكردم ازبين همه تله فيلم هايى ن هم که بازی کے دم، بہتر بن و تفاوت ترين شــان معوت رین ستان را استاب کردم. مثلا در یک کار من ۶ و ۷ گریم داشتم و حتی در نقش زن هم ظاهر شدم. کاری که صلا كمدى نبود و كاملا تلخ

, مضان، در صد مخاطبان شـــکههای ماهوار های فیلم را تجربه کردم و از این کار پشیمان نی پُایین می آید. آمارهاوارقام نشان می دهد، مردم در ماه رمضان علاقــه دارند که فقط تلویزیون ایران را زمانی که تازه تله فیلم راه افتاده بود، من در «شاه کلید» سامان مقدم و «همان روز» علیرضا امینی نگاه کنند چون میدانند که سریالهای این ایام بازی کردم. تله فیلمهایی که کیفیتش در حدیک خاص است. خاص است. نار سینمایی بود و از گروه تولیدش می توانستم - ص..... از طرفــی معتقدم که تلویزیون بایــد در برخی س بزنم که به کار خوبی تبدیل می شود. با این حال اگر الان هم تله فیلمی به من پیشنهاد شود که قصه و گروه خوبی داشته باشد، قطعا به آن نه

فعاليت در تلويزيون إزهمان

ابتدابرایمشانس آورد.

خيلي راحت خطقر مزهايش ر را در المام راپذیرفتمورفتم کارمرا

نجام دادم. برای همین خودم

رابیشترمدیون تلویزیون میدانم تاسینما بااین که

عداز «شمسالعماره»،اکثر

كمدى بود،امااز بين تمام

انتخاب كردم.من يكسال

کمدی کارمی کنم و یک سال درام

کار^گھای*ی ک*ەپپىا

تاسريالهاى

و به آن نزدیک تر

است. اگر دقت

كرده بأشيد،

متوجــه

که هر

نمی گویم. چُون برای یک بازیگر مهم نیست که روی صحنه تئاتر ظاهر می شود یا جلوی دوربین.

رای رسانه کار می کند یا نمایش خانگی. مهم این

تا حد توانش بازی کند و انرژی بگذارد تا بتواند از

گذشـــته تغییر پیدا کــرد، فضــای کارهای تلویزیونی اچگونهمی بینید؟

کارهای تلویزیونی در آین چندســـال اخیر یک افت محسوسی داشته است و فکر می کنم ریزش

ما ایرانی ها یک دشمن و رقیبی به اسم ماهواره اریم که در آن هیچ خط کشی و

بأتوجه به اين كه معاونت س

مخاطبهم بههمين خاطر بوُدها،

خط قرمزی وجود ندار د. متاسفانه

مخاطبان ایرانی بسیاری را به

سمتخودبکشانند.ازسوی دیگر، هر روز محدودیت و خط کشی

برای قصه های آثار تلویزیونی

ماً بیشتر میشود. در حالی که اگر تلویزیسون فسلان کارگردان

ر ریر که ۲۵ سـریال بــرای جمهوری اسلامی ایران ساخته و تعدادی از

سریالهایش جزو پربینندهترین ســریالهای سال شــده است را

بیذیرد و به او اعتماد کند، قطعا

بسیاری از مشکلات رسانه ملی

. ..ران ر هم حل خواهند شــد بههرحال

همه مــا، در این مملکــت بزرگ

شــدهايم و پُايبند بــه قوانينُ آن

هستيج.معتقدم اگربه خلاقيتها

. ناد که سریالهای داخلی رانگاه کنند

را شُكست دهيم و قطعاسننا

ر. و اســتعدادهای بچههای تلویزیون بیشتر توجه شود، در این صورت به سادگی می توانیم ماهواردها

ماهـــوارهای. چون تلویزیون با فرهنگ مابیشــ

ی جا میرود، کم فروشی

بر.ی است که به هر

ر کرکی . مواردسختگیر ترعمل کند.سختگیری از جهت ساخت و پرداخت قصه و کیفیت و به هر کار گردانی احازه سريال سازي داده نشبود اخبرا شنيدم که ، تلويزيون مي آيند ُو تلەفيلُم مي سازند برای این که تمرین کنند تا سبریال بسیازند. به ظرم این اشتباه اُست! چون مخاطبان تلویزیون الميليون نفر هستندو نمى توان اين جمعيت را سر کار گذاشت. تلویزیُون جای آزمون و خطا کردن نیست و بایداز کار گردانان و بازیگرانی که امتحان پس دادهاند استفاده کرد. در این ص جوانها هم مى توانند به مرور بياينـــدُ و از آنها ياد اس مى كنج با تغيير مديريت افتاد. چون آقای تخشید مدیری است که به هیچ

. وجه کیفیترافدای کمیت نمىكنىد. ياى كيفيت حساس کند کیفیت کاری

یں سألەرامي گيرد. اما یکی از دلایلی هم که باعث پایین امدن سطح آثار تلویزیونی شده، عدم حضُور ۗ كَارَّ كُردانان،مطرحی ىثل حســن فتحى، داوود میرباقری،کمالتبریزیو... که این روزها، هریک به دلایلی، به سریالسازی در شبکه نمایش خانگی روی آوردماند.

. حضــور کارگردانــ تلویزیونے در شبکه نمایش خانگی چند دلیــل دارد که فکر می کنم مهمترین اش مسأله اقتصادی است. تلویزیون این

اواخر با مشــکل بودجه مواجه شده است و حت شُدند. حَتَّى سريالهايي هم كه پخششان تمام شده است، عواملش پولشان را دريافت نكردند. به عنوان مثال، هنوز با عوامل سريال «دودكش» که دو سال پیش تصویربرداریاش تمام شد. نسویه حساب نشده است! ما به هر کجا که ذهن مان می رسید، رفتیم و اعتسراض کر دیم و نامه نوشستیم، اما به هیچ نتیجه ای نرسسیدیم. متاسفانه دست بازیگر به جایی نمی رسد!انجمنی وجود ندارد که از بازیگرها حمایت کند. اگر خود بازیگرها هم بخواهند شـخصا اعتــراض کنند، بریحر۔۔۔۔۔۔۔ بهعنـــوان بازیگرهای بد اخلاق تلقی میشـــوند. -- مسوری بری ترسی به ۱۰۰۰ دری مسی سی سرد. بنابراین باید سکوت کنند. از طرفی هم حدود ۲ ماه است که از تصویر برداری سریال «آخرین

ماهونیم دستمزدشان رانگرفتند...م این مسائل روی بازیگر و کارگردان اثر می گذارد. چون قسراردادی که با بازیگر بسسته می شمود، ۸۰-۲۰ بند دارد که . بازیگر باید همه آنها را رعایت کند. اما نهیه کننده، یکی دو بند دارد که یکی ``آنها پرداخت پول اُست که به آن هم عمل نمی کند. خب مــا بازیگرها که ـنتزنمي كنيم!ما هم در همين جامُعه زندُگی می کنیم و زندگیمان خرج دارد. فکر می کنم یول مهمترین دلیلی است که باعث شده کار گردانان تلویزیونی به سـمت شـبکه نمایش تلویزیونی به سـمت شـبکه نمایش خانگسی روی بیاورند. چسون در آنجا

یک شخصیت حقیقی وجود دار د که کار گردان و بازیگر اول از او پول می گیرند و بعد کار شــان را شروعمى كنند.

سروعتی سبت. امــادلیل دومــی هم کــه باعث تغییر مســیر کارگردانان مااز تلویزیون به سمت شبکه خانگی شــده،این اســت که فعالیــت در نمایش خانگی خطکشــیها و ممیزیهای کمتُری نــ تلویزیون دارد. در این صورت، نویسنده و کار گردان بيشترى دارندو به تبع آن قدرت مانور

وخُلاقيتُبازيگرهُمبيشُترمُیشود. اما سطح و کیفیت سب بال های شبکه نمایش خانگی به اندازه ســریالهای تلویزیونی ن وقتـــی داوود میرباقری ســـریال «شـــاهگوش»را ر کی کرد ساخت،مخاطبان:توانستندمثل سریال های موفق تلویزیونی او با آن ارتباط برقرار کنند. حتی کمال تبریزی هم باوجود سر پالهای موفقی که برای تلویزیون ساخته، این روزها سریالی برای شبکه رہ ہے. رہ ۔ نمایش خانگی-ابله-ساخته که حتی برخی از بازیگرانش هــم از این کــه در آن بــازی کردہاند،

يشيمانهستند سیر قىلاھمسەبانگاھى نمایش خانگی نگاه می کردنــد اما در حال حاضر، رقابت شدیدی بین کارگردانان در شُبکه نمایشُ خانگی وجود دارد. کارگردانهای صاحب سبکی به شـــبکه نمایش خانگی آمدند و نشان دادند که باكيفيتي چشمگير و بااستفاده از بازيگرهاي اس، می توان ســریالهای خوبی برای آن ساُخت. وقتی آقای میرباقری سریال «شاهگوش» را ساخت، مردم به خاطر عقبه و بک راندش، توقع ناشتند که سریال عظیم و فاخری را از او بیت نظرم «شاهگوش» در حد خودش بیننده داشت و فروشــش هم نشــان داد که مردم این ســریال رًا پذُیرفتندو از آن لذت بردند اما اگر بخواهیم «شاهگوش» را با یک سریال الف ویژه تلویزیونی مقایسه کنیم که ۱۰سال روی آن کار شده اس این قیاس غلط است و ایراد دارد! چوُن ژانر با ژانر فرق مے کندو باید ہر چینزی را در ظرف خودش رای کی درد. سریال «شاهگوش» را باید با سریالی در حدخودش، مقایسه کرد. فکر می کنم بروداکشن سـریال هم مشـخص بود که در چه

سی سرار مست. مسأله اینجاست کهبرخی کار گردان هاچیزهای مسانه اینجاست نهبرهی دار و دانها چیرهای جدیدی را در این نوع سریال هامد می کنند، مشلا کارگردان بدون هیچ قصهای سر پروژاش حاض می شودوبا اتکابه بازیگران استار، خیال می کند که سریال موفقی خواهدساخت. اگر ســریالی در شــبکه نمایش خانگی ساخته

دلايلشُ رابايددر خودسريال پيداكرد. چون حتما یک جای کار ایراد داشته است. یا قصه ایراد داشته

انتخابهادرستنبودهو... شمادر سال گذشته حضور فعالی در تئاتر داشــتیدو توانســتیددر سـّـه نمایش بازی کنید.قبل از این که اولین نمایش تان را – کمی بالاتر – بازی کنید، کسی به شما توصیه کرد کهسراغ تئاتربروید؟

نه، هیچ کس! چُون من توصیه پذیر نیستم و نیزی را کـه خودم بخواهم، انجـام میدهم. من اولین کاری که برای تئاتر دعوت شدم، فکر کردم که برای یک کار سینمایی دعوت شدم. بعد که به دفتر آروند دشت آرای رفتم، فهمیدم که برای یک کا، تئاتہ دعوت شہدہ اما یہ ایم حالت یہ نظر یک نار شانر دعوت سنده اما برایم جانب به نظر رسید و تصمیم گرفتم که تئاتر را هم تجربه کنیم اغلب بازیگرانی هم که در این کار خصور داشتند، از بازیگران سریال «شــمسالعمار» و جــزو حرفهای های تئاتر بودند، بالطبع این مسألهدر روند کار هــم تاثیر گذار بود و باعث شــده بود که اولین ئاتُرم،به كار أَبُرومنْدُى تُبديل شود.حتّى سالُ ٩٨، اغلب بازیگران مرد این نمایش در جشنواره تئاتر فح کاندیدا شدند فک می کنم لطف خدا باعث . دند فکر می کنم لطف خُدا باعث شدكه در تئاتر حضور موفقي داشته باشم.

تئاتر چُقدر بەنحُوەبازىھايتان در س تلويزيون كمك كردەاست؟

راسستش اوایل که تئاتر میدیدم، اصلا آن را سالن تاریک تئاتر داشته برای همین حضور م در تئاتر، همّ حالم را حُوب كُردُ و هم بدا من برخُلافُ بعضىها تفكيكي بين تئاتر و سينما و سينما و تلویزیون قایل نیستی چون هُمه آنهاجزو هنرهای ُ نمایشی هستند اما به نظرم تنها ویژگی تئاتر سیسی مستده به بعدوم مهو ویر کی عادر این است که بازیگر وقتی در تفاتر بازی می کنده قدر تمندمی شود. چون اجازه خطا کردن ندارد. در تفاتر چیزی به اسم کات وجود ندارد. اولین اشتباه آخرین اشتباه است.ولی در سینماو تلویزیون کلمه کات وجوددارد.برای همین تفکیک من بین سینما ماو تلويزيون كلمه و تلویزیون و تئاتر، فقط روی کلمه کات اس نَئاتُر يَكُرُونَدشرُوع واوجُو پايان دارد. به نظرم تئاتر مرین بسیار خوبی برای بازیگر است. تئاتر در جهان رفت کرده است. در زُمانهای روز خیلی پیش . سُته چون سالنُهای تئاتر خیلی بزرُگ بودند و صدای بازیگر به گوش تماشاگر نمیرسید باید اُور اکــت بازی می کرد. اما امروز با پیش تکنولیوژی دیگر نیازی به نعره کشیندن و فریاد ت. چیدمان تماشاگران هم بازیگر نیست. چیدمان تماشاگران هم طوری در سالنهای جدیدوامروزی تعریفشده کهبازیگرها ۱۰۰۰ ررر . . . صحنه مسلط هستند و دیگر نیازی به بازی روی صحنه مسلط هستند و دیگر نیازی ب اور اکت نیست. مگر این که بازیگر بخواهد : کا کند کند از داد تمر فاص شکسپیری کار کند که نیاز داشته باشد آن ۔ ہ۔ر نقش|وراکتباش

ت شمابه غیر از بازیگری کاربیزنس همانجام میدهید.بازیگریاز نگاه یک بیزنسمن چه تعریفیدارد؟ ختترين كاردنياست!